

موسسه کتابخانه
معمول
مشهد

ع ۳
شرح میزان السحور نمود
۱۳۱۲

آب مَت ك ح ح خ د د

دَسَس ش ص ض ط ظ ع ع ف

ق ك ل م ن و ه ي ل ا ل ا

افتتاح آذربایجان - شرح تاریخ تواریخ از عهد دولت امیر کبیر به عهد ناصر
 آصفی در عهد ناصر آصفی - شرح تواریخ - که در این کتاب در ۱۰۰۰ صفحه است
 از آن (مجله - جعفر) سلیم شاه پنجم ۱۶ دوره در ۱۹۵۷



آستان قدس سنوی
 کتابخانه ملی مجلس - تهران
 شماره ۳۷۴۵
 تاریخ ثبت ۲۴ فروردین ۱۳۳۱

پا ز دید شد

۶۵

۱۳۵۱



بسم الله الرحمن الرحيم

فرزند زده تر گوید که از آن مقام این نشانی که طاعت کند ^{بیش} _{صدا}

دانت پاک نشین است ^و تعالی کمال داده عن ملذیه العقول و الا فقام ^و _و

جلال صفاة عن سابقه الظنون و لا و نام که عرصه چهار کرده

دینین فرمود بگویند ^{طینر} که مکار و خوارین باسرت ^و _و

و بمحال ^و _و لالهتیه ربوبیه سادیه ^و _و است لطنه ربوبیه ارضیه ^و _و

دری لم تیرت ^و _و مظهر صفات عظیم ^و _و و کبر یا بخو قدر ما

درشته ^و _و مطاعت ^و _و نقیله سازد ^و _و در آق عبدا زر شریف

و ضعیف ^و _و دنی در ضعیف ^و _و مگرم ^و _و مضبوط نمود ^و _و الاله ^و _و الخلق ^و _و و لا امر ^و _و ساری



تبارک الله رب العالمین در کردار و کفایتش زرا بمقتضی کلام
الملوک ملوک الکلام و در تنظیم و تسیق امور عالم و نشر نصفت
و عدالت برمان قاطع ساخت و بسبب ضبط حساب
شهر و اقیام را در سنین و اعدام بر امور معطی صادره
از ایشان راجع و مربوط فرمود نزد خداست و سغیری
چیز در کمین لغوی و بیشتر گفته آنهاست که از زاده لند
کاین در زین اصل نسبت زاده لند و صلوات ^{متصله} صلوات
بر نیز عظم سماء عالم نبوت و سعادت کبریت الشرف
فدت محرم حضرت امام معتمد و صاحب کرامت فیروزان



من بطع الرسول فقد اطاع الله که استین رو از فضیلتش مطر

بطراز کت پیسا و آدم بن ابیها و این کربیه دو پاجه کتاب

منقبش مرتب بعد از ان و ما در سناک الارجحه للعالم کت

مرکز دایره آفرینش و محور منطقه پنش شمه نه مننه هفت

حتم رسد خواجه پیغمبران احمد مرسل که خرد خاک اوت هر چه

بسته فراک اوت تثبیت متوالیه و تحیات میتالیه

عنا بن عمه و دوستیه خلیفه و عالم لرائه و صاحب لائیه که کریمه

انما و ایکم الله پانی مرتبه دلیش را و بسا در صحت

و منظومه غزوات بمولاه فمه اعلا مولاه اثبات درجه اوست



دعوت فطرتش را پناه لایح علی لکنه نبهاد آنجا و پوی
که بگذشت کف پاک بکنافه در و در و ناسعد و بر اولاد
احباب و آل و اصحاب ابی که حکم مسعد و قه آن تارک
فیکم تفتین کتاب التعمیرت را شنیدین و بین سپین این
و بصدق انما یرید الله لینه اب الرحمن عنکم این است
و بظن که تظنر نمانند کان راه یقین درج دعوت کهنه
و سپهر فطرت را بر وجه از عشر همه دیده پاک جان
و فرین به پیش هزار فریش کزین اما بعد
پس از اقدام بمهراسم و ستایش و شکر دنیایش و

و سلمه و تقییب و اسلمدم حسین کبیر و قد خلق الله ذلک
 و الله معکف زودیه عزالت و محن محمد بن حسن
 ابن محمد علی ابن علی ابن ابی طالب که چون بزرگ شد
 بر خوف و پندار نم رفت شاه روز زمین و خلیفه رب العالمین
 سلطان السلاطین و فاقان اسخو ر قنیر غیاب الامام
 کشف الامان و المومنین قهرمان الماء و الطین نظر الله
 فر الا رضین سلطان بن السلطان بن السلطان
 و سناقان بن سناقان بن سناقان کما لطف
 البر ایا حول سده و من یجد لا یأنا کعبه یخفی البقیع



سأصل اللذين

الرفيع والنصر والظفر ثم الملك صاحبان السلطان
فقد آتته تلك الملكة وطلعت ورافض على المغير برة وولده وورثه
بمصر وبت سال كذبت له خوف ونيالان ابن سبته جهوده
اركان از حوان نعمت كراي كينه وذل ابد تولداني
که جا ویرانی پر سیده و دل سیده و سمولک انعم کرانی و منفا
از حد رفتن منتقم بود است تا کون که عنفوان کسب
بپایان آمده بخاطر رسیده که لوار حقوق پیران میرسد
خدمت رسیده و نمایان بجای آورد که نام نامی و اسم
تسلی جانی پناه خلد الله علیه ورحمه لسته ابد الله هر دو صفحه

رد و کار بانه و برقرار بماند و با آنکه در این ایام و سنین زود
 بالاین شبهه فاکر معاند است و هر ملک در زمانه
 این نوع کمال را و سمت کمال است و این جنبش
 فضیلت و بال مفصول را بر فاضل تفضیل است و مرجع
 بر راجع ترجیح خاصه زینما زود را که سباب پریشانی
 و پریشانی سباب از هر دو امر محبت و فاطره
 رکنه در طول و مکتر و با از آنجا که جهان را از فیض فضل
 خداوند رحمت و در غم رافت و رحمت سائیه زود ای طراوت
 و بهای تازه است و کیهان از زود و رحمت و اقبال نشانه



شهادت زمین در زمان فروغ و ضیائی بی اندازد از بهر راز زمین
و تر پیش امور ملک وقت و مهم دین و دولت را نظر تمام است
و از سنج ضمیر در پهن و عمن خاطر حکمت قرین مصحح کربش
هرگز نه علم و صنعت و هنر و فضیلت را بهای و فواید مالا کلام سخن
آمد و لرزد استرار کرده و شرح امید داور و در خطار در بار آید
حالی نفس را که از درگاه سر بگردان افسردگی کشیده و دیده در شاه
نشاط پرشیده و در خنجر خنجره بود آگاه مستنبه و باین پیشتر
امید دل و دلگرم نموده که فضل و هنر ضایع است تا ننهند
عوض آتش نهند و شکستند پس شاه و نامه راه زمانه در راز

دست همیشه بود بر داشته و بمشغول این بیت که زبان در دهان
 خفته صیبت کلید در کنج صاحب چو در بسته باشد چه داند که
 که گوهر فرشت پاپیل در آغاز در مقصود و خنجر بهترین چنگ
 موجب بقای نام در شهر و اعلام است وضع تاریخ است که ابد است
 گفته و مندرکس میگردد بلکه در هر زمان بسبب نسبت در آن
 و وقایع که در ازمنه متوالیه متوالیه بعد وقوع میساید زبان را
 و وضع تاریخ در آن شده سخنی از زبانی و تاز که بهم میرسانند
 و هرگز فروغ نمیکردد چنانکه در نصف بعضی از تریضین که سبب
 تاریخ فرسی که در قدم اول تاریخ است و تاریخ مخصوص این است
 زبانه

تاریخ
 در این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب



در زمان شاه کبودرآهک بعضی از زمان جمعی هم میباشند و با آنکه
در هر کتاب تاریخ مختلف بهر سبب هنوز بسبب دوری
جملات و وقایع با هم گوناگون است
و جاریست همچنین سایر تواریخ مانند رومی که سبب آن بعد از
زمان شاه اسکندر است و اجماع ترک و جلدی و غیره که همیشه
نود تا زده است و وقایع متوجه است با نهانست و در
میورده آنها در خصوص خود نمون تاریخ حکم و ضبط که مبنای آن
بر قواعد صحیح رسد و حسابیه باشد جهت محکمات و در آن
صافها آنرا عنایت نماید تا آنکه افوس و در غیر آنکه اندک

که چهارهفت ایران با آنکه اقدام و حمد الله تعالی عظمی روزیست
 و مردان این ملک از بابت علم و صنعت برادران جمیع ممالک
 مقدم و محمود تمام عالم اند. تاریخ مفضل که نسبت و قایح مملکت
 بآن در آن شود نمر از نرد و تل در پنج قدمه مشهوره همچو خاصه ایران است
 زیرا که تاریخ اهر با آنکه نمر و منبر آن کما در حقیقه صحیح نمر در عیسی
 بزرگ در آن است که مشهور را با فضل مطابق نیست و این عیسی
 فاحش است مر تا ریخورد چنانکه هر گاه در شهر بزرگ در شهر در
 آن واقع شود بدون حساب کرم نفع که در چه نضر از سنه بوده
 و ذهن سلیم در پاپ است که نضر و رسم بدانند چنانکه

هرگاه که نیم خورشید که جلوس شاه طاهر صفی طالب الله شاه در روز

رجب المرجب سنه ۹۳۰ هجری در هجرت واقع شده و زهر در پل

است که بدانند در چه فصل از سال است و تغییر چگونگی حساب روشن نماید

برعکس یا در تاریخ که شهر با فضل مطابق در زنده چنانکه هرگاه بر

مشک کینه که اندر نام گذارده در پنجم اردیبهشت ماه هجری مصادف

بر تهنونه و کونینده ظاهر است که در فصل بهار بود و پنجاه روز از آن

سال گذشته بوده است لیکن در تاریخ هجری بهتر است که از آن

مفاد است و از طرف التواریخ دانیم و از این تاریخ

هم دفعه بایران ندارد و تاریخ است عرب است که اکنون

بیت چهارم ماه



اهل ایران بجاویت محمدیه کردند و تاریخ فرس قدیم مخصوص
 ایران است در حساب کپتیه آن بوسیله طول زمان و عدم
 ضابطه در حساب و تسمیه تاریخ بزوجه در بعضی برهم خوردن و از قاعده
 و نظم خارج گشته و احدی از منجمین و مشخرین و اهل حساب از زمان
 در کپتیه و حساب این تاریخ ندانند و علی الرغم در تقویم خلف
 میسنیه و حساب این تاریخ از زمان یفجر در شهر باران این
 زمان از دست منجمین و مشخرین سپردن است و این فاضل را در
 نهاد از غریب موهبت حسن تربیت نان و نمک و علم حضرت زین
 صاحبقران روخا قدر کار رساله در مبداء و منتها تاریخ و حواله



و در کتب و حساب آن و سبب بهجوردن محرره آن نوشته
 و در این زمان تا زمان جمید جم سنین و شهر و ایام آنرا بقره ^{و اول}
 حساب نموده و در آنرا تحقیق معلوم نموده و بجزوات اینر پس از
 صد و حکم اینر تیار در نوشتن و معمد داشتن تاریخ مبارکه
 ناصر ملحق باین مستطاب خلد نموده و غیره در کتب تاریخ جدید
 که حکیم عمر خایم و حکیم عبدالرحمن فایزنا در عهد سلفنا عبدالالدین
 ملک و وضع کرده اند بجهت تجدد و صد هندی و تاریخ محرم تا مغربش
 و خلف در آن راه یافته و کتب تاریخ مزبور نامضبط شده زیرا که
 بنابر سالها و ماهها این تاریخ را بر در آن حقیقیه آثار بنامه اند



و زمان یکدوره است بحسب اوصاف مختلف است چنانکه بردنایان علم
 ریاضی و نجوم ظاهر و برهنه است بر صد یکصد و شصت و پنج روز
 و پنجاه ساعت و پنجاه و هفت دقیقه و چهار و بیست و پنج ثانیه است و این نیز
 اوصاف است بر بروج حکیم محمد الدین مغربا سیه و شصت و پنج روز
 و پنجاه ساعت و چهار دقیقه و شش و شصت ثانیه است و بر صد تا بیست
 دقیقه از ربع شبها روز کمتر است و بر صد اهر خط نه دقیقه
 و سلطان الملک و الدین خواجه نصیر الدین علیه الرحمة بعد از صد مرغانه
 که مدت یکدوره است و در حقیقت آفتاب را سیصد و شصت و پنج روز و پنجاه
 و چهار و نیم دقیقه باقیه از بنا بر کبریا است چنانکه بر این بر این



زیرا که از حذف که حساب اگر چه در سنین متکثره هم باشد خود
 امر تاریخ بهم میرسد و یکروز و دو روز در تاریخ مختلف واقع
 و هر قدر طول زمان زیادتر آن اختلاف بیشتر میشود چنانکه محقق
 پیر حبه علیہ الرحمہ در شرح ریج منفر مابده که از این تفریح صاحب ریج
 چنین نظر استغفار میگرداند که منکر است در تاریخ جمله در بعضی
 روفاات اختلاف واقع شود بیکروز و اینها بصاحت عدم
 الاستطاعه چون درین جزو از زمان ریج منفر معمول و بنا بر عمل
 و نتیجتاً بر آن ریج است و نه بحقیقه رصح و بعضی از صاحبان
 و بار صد جدید فرنگستانی بسیار زلف است بکلمه سیدان

بار صد فرنگین منتهی است تاریخ بنام ^{مهم} ^{مستند} ^{علی} حضرت ^{کبری} ^{سید}
 صاحبقران در حد فدا وضع نمودم و بدایه انرا از اساتید
 سینت ما از نقطه ^{الکبری} بر سر سلطنت ^{عظمی} و خدمت ^{کبری}
 کرشم و ^{عظمی} ^{جلیس} ^{سینت} ^{صاحبقران} در فصل تابستان واقع
 اول ساله این تاریخ را از روز انتقال آفتاب بنقطه نقده
 صیفر اول سرطان محسوب کنیم زیرا که آفتاب درین
 نقطه در غایت ارتفاع ^{سمت} ^{الکس} از جمیع اجزای ^{الارض} ^{منطقه}
 اقل است و در ذره بنقطه اوج ^و ^{کله} ^{فصل} ^{بهار} است و اول
 رسیدن انهار و بهر است و فو ^و ^{غیر} ^و ^{بند} ^{از} ^{زمان} ^{آسیا}

و راحت چنانکه از میان زمین در است لبرترت عتبه کجای بهار
 این سلفت جاوید آیت بهتیه عامه ناس و کافه عمال از رعایا و برابرا
 با نواع نعم کوناگون مستنعم و با سخا و مفاخر از صد افزون مفتخر پیشینه
 و مدار سالها این تاریخ بر هر رات شمسیه حقیقیه و مدار ما
 بر شمرا اصطلاح است و هر فصل از فصل در ربع که قریب یک ربع
 از زمان سال است بر قسم مساوی مقرر است که هر قسم سی روز
 تمام باشد و در اوقات هر از ده گانه تقویم بر آن بنا بیشتر بود چنانکه
 بر ایام ماهها هر چند مقرر است و در سایر ماهها بتفاوت فصل
 بیش از سایر شهر تواند داشت که از مبداء سال چندی روز و از اول



از اول فصل تا چندی که شسته و از عید روز وسطی تا چه که شسته بود
از تپه چند مانده شمس نفر پا در کدم درجه از کدم بر سجده و هر وقت
که باین تاریخ نسبت دادند همین قدر در روز معین باشد که چند
و در چه ماه بر معسوم شود و در چه فصل بجه و چند روز از اول
سال گذشته بجه و چند روز از شهر روز که نه را که سخن است
منتهی است بعد از ماه نهم که ماه آخر شمس است وضع کردم
که ترتیب ماهها در روز که نه و پنج روز زاید و کم در کسبه در هر سال
که کسبه در دو بهم بخورد و اما در ماهها این تاریخ بر این ترتیب است
ماه اول (اول الصیف) (ماه محرم) اوسط الصیف

ماه سیزدهم را آخر الصيف (ماه چهارم را اول الخريف)
 ماه پنجم را اوسط الخريف (ماه ششم را آخر الخريف)
 ماه نهم را اول الشتاء (ماه دهم را اوسط الشتاء)
 ماه دهم را آخر الشتاء (ماه دهم را اول الربيع)
 ماه یازدهم را اوسط الربيع (ماه دهم را آخر الربيع)
 و این مختصر رساله را در وضع مینبار دینیه تاریخ مبارک تالیف
 نمود که بنظر نور آفتاب اثر افه س ۳۴ این صاحبقران جهان
 خلد الله علیه ورحمته ا و خرد له دوران برسد و اگر نبیند آتیه
 مقبلی را در عالم لذت و کرم دید و در نیشندان علم ریزد و نجوم صحیح را



بر آن بگذارند و هر نقصی خلا که بماند تصحیح و تعدیل آن بکشند
 در این جهان آرزو مبارک با ثبات و شریعت آن بعتق بگیرد فرامین
 قدر آیین بکفایم ولایات معظمه ایران صادر شود که در سنه
 آتیه منجین و مستخرجین را غنیمت نمایند که در اوقاف تقاویم خود
 بهشتی و مصدر بر این مبارک نموده و این تاریخ را بنام
 اسپین صاحبقران شایع سازند و در تقاویم معمول دارند
 و صدر ریجات خود بقانون استخراج این تاریخ مبارک ^{بر} قرار
 این بنده مشروحاً بیان نموده و جدا و له چند وضع کرده مصدر
 و استخراج آن بکشند پس میگوئیم که روز اول از سال اول



این تاریخ روز چهارشنبه است مطابق با تازدهم شهر رجب المرجب

نافعه اجمریه عازم باجره مآلاف المشنا، والحقه و در کسبه این تاریخ

مبارک را بر حسب جده اندر کسبه نصرت و بخورد و بیعت

و چهل داشت دقیقه و پنجاه و دو ثانیه و بیست و شش ثانیه است

بدقت تمام محسوب و جدا از چند وضع نموده که در حساب

جمعا ضبط و محسوب داشته ام که ابد اخلک و تصور و خستد

در آن راه نیست و قوانین چند گذاشته ام که مدخل

و ماه مطلوب را از این تاریخ چه نخورد شرح نمایند و هرگاه

این تاریخ معلوم باشد هر یک از تواریخ مشهور را که



مجهول باشد از این تاریخ چه نحو استخراج نمایند و بالعکس اگر

یکی از تواریخ مشهور معلوم و این تاریخ مجهول باشد این

تاریخ را از تاریخ معلوم چه نحو استخراج نمایند و باید معلوم باشد

که تاریخ اجماع مقدم است بر این تاریخ بچندین روز

و چنان مرفوع نمایند چنین باشد و تاریخ

فرس قدیم که مبداء آن از زمان جمشید است مقدم است

بر این تاریخ بچندین روز و چون

مرفوع نمایند چنین باشد و تاریخ

یزدجرد که اکنون بفرس قدیم گشته است دارد و مبداء آن



از زمان جلوس یزدجرد شهریار و بالاتفاق روز سه شنبه پانجم

حادیستم الله المربع الاول سنه اصد عشر ناقصه هجریه و مطابق

با روز شنبه نهم خیزرنامه روز شنبه ناقصه که گذریه بوده

مقدم است بر این تاریخ مبارک بچندین روز

و چنان مرفوع نمایند چنین باشد

روم که کند در مقدمت بر این تاریخ بچندین روز

..... و چنان مرفوع نمایند چنین باشد

..... و تاریخ ترک آغازانی مقدم است

بر این تاریخ بچندین روز



و چهار مرفوع نمایند چنین باشد..... و تاریخ

فرانسوی مقدم است بر این تاریخ بچندین روز.....

و چهار مرفوع نمایند چنین باشد..... و تاریخ

جدید مقدم است بر این تاریخ بچندین روز.....

و چهار مرفوع نمایند چنین باشد..... و تاریخ

مختار مقدم است بر این تاریخ بچندین روز.....

و چهار مرفوع نمایند چنین باشد..... و جدا

چند در این خصوص است وضع نموده ام که هرگاه وضع این تاریخ پسند

دارد عالم آراء صاحبقرانی را در جافه که در دو حکم محکم در تاریخ



ساختن آن شرف نفاذ یابد جد اول مراد برادر مستخرجی و

منجمن ولایات ممالک محروسه فرستاده شود که از آن نظر معمول

و تقادیم را فرجه موشع و منیرین باین تاریخ مبارک نماید

و بنا بر نظم و ترتیب اوراق تقدیم را بر آن بکند ازین جهت درین

سندرات که یقین از بدو جلوس منینت مأذون علیّه

فر قدرت صاحبقرانی روحافراه گذشته و اول قرن ثانی

از اقران سلطنت و جهانان است بسیار سخن و بگوشت

که این تاریخ مبارک عشر معمول شود و پس از آنکه این

خازان عبودیت نهاد تحقیق و تدقیق در دروا فرس قدم



قدیم که عسکری است و در تاریخ یزدجردی که اکنون بفرس قدیم
استوار دارد نموده بطلیب نیرک رسیدم و آن است که مبدء
تاریخ مبارک ناصر را که نخستینم در اول فصل تابستان قرار
داده است مطابق با قسم مبدء اصل تاریخ فرس که در زمان
جمشید وضع شده است و اول جلوس آنته ریاری برادر که
جهاننازه به است و همچنین مبدء تازه فرس که در زمان
یزدجرد شهریار وضع شده و اول جلوس آن پادشاه
برکت سلطنت و حکمرانی به مبدء این امر تاریخ
در اول فصل تابستان شمس در پنجم درجه از سرطان بوده

و مبداء این تاریخ مبارک را هم در اول فصل نایستان قرار دادیم

پس در واقع این تاریخ مبارک اول تواریخ روز زمان است
 که تجدید شده و این حسن اتفاق نیست مگر از عین بحیث
 اعلی حضرت اقدس صاحب خواند روح و روح العالمین له الفداء
 چنانکه شرح و تفصیل آن موافق قواعد حسابیه در رساله
 مضمون که در کتب تاریخ فرس و سایر تواریخ نوشته ام
 مندرج است تا در عالم آراء و افق نظر الهی

چه قضا کنند

تا هم طول عمره و ادم سلطان و اقم بر نامه و انصر عود



اعوانه واعجبه وفرج اعزانه واشد دازره و قوه
 واستدم نوبته واكثر دولته وادخله الى الدولة الكريمة
 وارزقه السعادة العظيمة واحفظ بوجده الشريف بيضة
 الاسلام وقوه بجذوره المنيف شريعة سيد الانام وازد
 ملكه بمبرور الهمه وكرور الايام بحق محمد سيد الانام

والله الطيبين الطاهرين البررة

الكرام صلوات

عليهم اجمعين
 الفقام
 عليهما السلام
 ٢٧
 ١٢٩٤



کتابخانه
ملی

